



مبانی اندیشه فلسفی در ادبیات فارسی

مؤلف:

دکتر روح الله خاوری

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

سرشناسه: مقدس، روح الله، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: مبانی اندیشه پلیسی در ادبیات فارسی / مولف روح الله مقدس.

مشخصات نشر: تهران: تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.

شابک: 978-600-363-109-0

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۱۸.

موضوع: پلیس در ادبیات

موضوع: ادبیات فارسی -- مجموعه‌ها

موضوع: ادبیات فارسی -- مجموعه‌ها

شناسه افزوده: دانشگاه علوم انتظامی امین

رده بندی کنگر: IIR ۳۴۲ / ب ۷۳ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی: ۶۳۰

شماره کتاب شناسی ملی: ۰۵۳۱۰۰

مبانی اندیشه پلیسی در ادبیات فارسی

مولف: دکتر روح الله مقدس

ناظر علمی: تیمور کشاورز

ناشر: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

نشانی دانشگاه: تهران - ابتدای بزرگراه شهید خرازی - خیابان شهید جدی اردبیلی - دانشگاه

علوم انتظامی امین تلفن: ۴۸۹۳۱۲۹۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه
۱	فصل اول- امنیت در ادبیات فارسی
۱	گفتار یک- مفهوم شناسی امنیت
۴	گفتار دو- از تاب امنیت در ادبیات فارسی
۴	الف- ترار نظم و امنیت از وظایف اصلی حکومت است
۷	ب- عوامل مؤثر در ایجاد امنیت
۷	۰۱ عدالت
۱۱	۰۲ پاسداری از بیچارگان
۱۱	۰۳ مجازات فوری مجرمان
۱۲	۰۴ پاکی و بی گناهی
۱۳	۰۵ قناعت
۱۴	۰۶ دریافتن دلشکستگان
۱۵	۰۷ اعتدال در رفتار
۱۵	۰۸ کشتن مردم آزار
۱۶	۰۹ انتصاب کارگزاران خداترس
۱۶	۰۱۰ از بین بردن فتنه
۱۷	۰۱۱ ترجیح آسایش مردم بر آسایش خویش
۱۸	۰۱۲ نداشتن مال و ثروت فراوان
۱۸	۰۱۳ اتحاد و اتفاق
۱۹	ج- عوامل ناامنی
۱۹	۰۱ ظلم و جور

۲۹	۰۲ مردم آزاری
۳۰	۰۳ ترس بیش از اندازه
۳۱	۰۴ در سختی نگه داشتن نیروهای مسلح
۳۳	۰۵ شغل ندیمی و وزارت پادشاه
۳۹	۰۶ دزدی و دزد
۴۵	۰۷ خیانت
۴۶	۰۸ حسادت
۴۷	۰۹ نارضایتی از حاکمیت
۴۸	۱۰ حیث نفس
۴۸	۱۱ خود برگردانی
۴۹	۱۲ پنجه در پناه دشمن قوی انداختن
۴۹	۱۳ فقر و درویشی
۵۲	۱۴ گذشت نابه جا
۵۳	۱۵ بدخویی
۵۳	۱۶ گماشتگان ظالم
۵۳	۱۷ پریشانی خاطر دادخواه
۵۴	د- انواع امنیت
۵۴	۱۱ امنیت مالی
۵۴	۱۲ امنیت جانی
۵۵	ه- امنیت مطلوب همه است
۵۵	و- توصیفات امنیت
۵۵	ز- ناشناخته بودن امنیت
۵۷	فصل دوم- وظایف پلیس در ادبیات
۵۷	۱۰ برقراری نظم و امنیت

۵۹	۰۲ مبارزه با درگیری و زد و خورد
۶۲	۰۳ مبارزه با دزدی
۶۴	۰۴ دستگیری متهمان به جاسوسی
۶۴	۰۵ مبارزه با مفاسد اجتماعی
۶۵	۰۶ مبارزه با قتل
۶۶	۰۷ مبارزه با اراذل و اوباش
۶۷	۰۸ مبارزه با سلاح غیر مجاز
۶۸	۰۹ دستگیری و بازداشت متهمان
۶۸	۱۰ مبارزه با تصفیه اموال املاک مردم
۶۹	۱۱ اجرای مقررات امنیتی و رانندگی
۷۰	۱۲ بدرقه متهم
۷۲	۱۳ اجرای احکام قضایی
۷۸	۱۴ گشت و حضور در جامعه
۷۹	۱۵ جلوگیری از خرابکاری
۸۰	۱۶ راهنمایی مردم
۸۰	۱۷ مبارزه با یاغیان
۸۰	۱۸ گزارش تخلفات زندانیان به مقامات
۸۱	۱۹ سربازگیری
۸۳	فصل سوم - صفات و ویژگی های پلیس
۸۳	۰۱ چابکی
۸۳	۰۲ مجرب و واقعه دیده بودن
۸۶	۰۳ دلاور و دلیر بودن
۸۷	۰۴ برخورداری از نیروی جوانی
۸۷	۰۵ دیدن آموزش نظامی

- ۱۱۸ ۰۱۸ ترحم نکردن بر عجز دشمن
- ۱۱۸ ۰۱۹ عمل نکردن به نصایح دشمن
- ۱۱۹ ۰۲۰ آمادگی در برابر اتحاد دشمن
- ۱۱۹ ۰۲۱ کشتن دشمن به وسیله دشمن
- ۱۱۹ ۰۲۲ کشتن دشمن در دسترس
- ۱۲۰ ۰۲۳ اعتماد نکردن به دوستی دشمن
- ۱۲۰ ۰۲۴ فریب نخوردن از دشمن
- ۱۲۰ ۰۲۵ وقفه ترحم از دشمن نداشتن
- ۱۲۰ ۰۲۶ هستی ما باعث فتنه گری دشمن می شود
- ۱۲۱ ۰۲۷ بصیرت در برابر دام دشمن
- ۱۲۱ ۰۲۸ نتراندن در اوقات دشمنی
- ۱۲۱ ۰۲۹ نکشتن دشمن سرگشته
- ۱۲۱ ۰۳۰ دشمنی با دشمنان خدا
- ۱۲۱ ۰۳۱ دشمنی با دشمنان دوستان
- ۱۲۲ ۰۳۲ استفاده از تدبیر در مبارزه با دشمن
- ۱۲۲ ۰۳۳ به هنگام صلح از حيله دشمن غافل مباش
- ۱۲۲ ۰۳۴ کسب آمادگی کامل در برابر دشمن
- ۱۲۲ ۰۳۵ احساس امنیت نکردن از دشمنان کوتاه دست
- ۱۲۳ ۰۳۶ با شمشیر تدبیر خون دشمن را ریختن
- ۱۲۳ ۰۳۷ اختلاف بین دشمنان ، امنیت آور است
- ۱۲۳ ۰۳۸ در جنگ نیم نگاهی به صلح داشتن
- ۱۲۳ ۰۳۹ شتاب نکردن در کشتن اسیر
- ۱۲۴ ۰۴۰ نیک رفتاری با پناهندگان جنگی داشتن
- ۱۲۴ ۰۴۱ اعتماد نکردن به اظهار دوستی خویشان دشمنان

- ۱۲۵ ۰۴۲ بد اندیش را لفظ شیرین مبین
- ۱۲۵ ۰۴۳ به خدمت نگرفتن سپاهی عاصی دشمن
- ۱۲۶ ۰۴۴ تجویز فرار از برابر دشمن
- ۱۲۶ ۰۴۵ توقف نکردن شبانه در اقلیم دشمن
- ۱۲۶ ۰۴۶ مراقب کمینگاه های دشمن بودن
- ۱۲۶ ۰۴۷ زدن اردوگاه با فاصله از دشمن
- ۱۲۷ ۰۴۸ فرصت ندادن به دشمن برای تجدید قوا
- ۱۲۷ ۰۴۹ پس دادن سپاهای هزیمت نران
- ۱۲۷ ۰۵۰ سپردن مناطقی به دشمن به زندانیان آن
- ۱۲۷ ۰۵۱ رفتار خوب با شهروندان مناطق اشغالی داشتن
- ۱۲۸ ۰۵۲ نگران آسیب دشمنان بودن
- ۱۲۸ ۰۵۳ کرم کردن نسبت به دشمن
- ۱۲۸ ۰۵۴ کمک نکردن به دشمن
- ۱۲۸ ۰۵۵ در ازبین بردن دشمن نباید درنگ کرد
- ۱۲۹ ۰۵۶ دوست نشدن با دشمن
- ۱۲۹ ۰۵۷ با نرمی می توان دشمن را دوست کرد
- ۱۲۹ ۰۵۸ چو دستت رسد مغز دشمن برآر
- ۱۲۹ ۰۵۹ تحقیر دشمن را نپذیرفتن
- ۱۳۰ ۰۶۰ رازداری در برابر دشمن
- ۱۳۰ ۰۶۱ زیر نظر داشتن دشمن
- ۱۳۰ ۰۶۲ بزرگ نشان دادن خود در برابر دشمن
- ۱۳۱ ۰۶۳ غافل نشدن از کار دشمن
- ۱۳۱ ۰۶۴ نترسیدن از دشمن
- ۱۳۱ جویزگی های دشمن

- ۱۳۱ ۰۱ شماتت
- ۱۳۲ ۰۲ انتقام گیری دشمن
- ۱۳۳ ۰۳ دشمن در صدد جذب نیروهای خودی است
- ۱۳۳ ۰۴ دشمن فقط نقاط ضعف را می بیند
- ۱۳۴ ۰۵ خوبی ها در نظر دشمن زشت جلوه می کند
- ۱۳۴ ۰۶ سیاه نمایی دشمن
- ۱۳۵ ۰۷ دشمن با ملاطفت دوست نگردد
- ۱۳۵ ۰۸ دشمن منتظر انتقام است
- ۱۳۵ ۰۹ تعریف در برابر دشمن از روی خصومت
- ۱۳۶ ۰۱۰ ظاهر ساده را در برابر دوست
- ۱۳۶ ۰۱۱ خبیث بودن
- ۱۳۶ ۰۱۲ حسود بودن
- ۱۳۷ ۰۱۳ ناگوار بودن دیدن چهره دشمن
- ۱۳۹ فصل ششم - راز داری پلیس
- ۱۳۹ ۰۱ عدم افشای اطلاعات جلسات سری
- ۱۴۰ ۰۲ بازگو نکردن راز برای دوست
- ۱۴۱ ۰۳ مراقبت در بازگو کردن راز برای افراد مجاز
- ۱۴۱ ۰۴ افشای راز پشیمانی در پی دارد
- ۱۴۱ ۰۵ افشای راز خطر جانی دارد
- ۱۴۲ ۰۶ دل زدن راز است
- ۱۴۲ ۰۷ راز آشکار شده را نمی توان پنهان کرد
- ۱۴۲ ۰۸ تشکیل جلسه سری برای بازگو کردن اسرار عملیات
- ۱۴۵ فصل هفتم - تیپ شناسی پلیس

۱۴۵	گروه اول
۱۴۶	گروه دوم
۱۴۹	گروه سوم
۱۵۷	فصل هشتم- تاکتیک ها، اصول و قواعد عملیات
۱۵۷	۱ کنترل اغتشاشات و تظاهرات
۱۵۸	۲ تقویت روحیه نیروها با انجام عملیات روانی
۱۶۲	۳ کسب اطلاعات از مواضع دشمن
۱۶۷	۴ استفاده از کین
۱۶۹	۵ استفاده از تیر، سم، و لرح
۱۷۰	۶ مخفی نگه داشتن نقشه و طرح جنگی
۱۷۰	۷ به خدمت نگرفتن سپاهی اصراری و امیر
۱۷۱	۸ بستن دست مجرمان و متهمان
۱۷۱	۹ بد رفتاری نکردن با بندگان و زندانیان
۱۷۱	۱۰ تربیت نیروهای نظامی
۱۷۲	۱۱ مشورت در تصمیم گیری
۱۷۳	۱۲ پوشیدن همسانه (لباس فرم) در عملیات
۱۷۳	۱۳ استفاده از نیروهای جوان
۱۷۳	۱۴ ترحم نکردن به دزد
۱۷۳	۱۵ حفظ جان در عملیات
۱۷۴	۱۶ اطاعت از فرمانده
۱۸۶	۱۷ نبرد متقارن
۱۸۶	۱۸ استفاده از فکر جهان‌دیدگان
۱۸۷	۱۹ انتخاب افراد با تجربه به سمت فرماندهی
۱۸۸	۲۰ برتری تجربه بر قوای جسمانی

۱۸۸	۰۲۱. بستن دست و پای متهم
۱۸۸	۰۲۲. نریختن خون بی گناه
۱۸۹	۰۲۳. ترخم نکردن به مجرمان
۱۹۲	۰۲۴. مراقب رفتار مجرمان خطرناک و اعدامی بودن
۱۹۲	۰۲۵. شناسایی کامل افراد زیر دست
۱۹۳	۰۲۶. ظلم زیر دستان به پای فرمانده نوشته می شود
۱۹۳	۰۲۷. کسب دستور از فرمانده برای انجام مأموریت
۱۹۳	۰۲۸. مخاب جانشین
۱۹۵	۰۲۹. عریف از فرمانده در نزد دشمن برای تضعیف روحیه او
۱۹۵	۰۳۰. ادای احترام
۱۹۶	۰۳۱. حمد و سپاس خداوند پس از پیروزی در عملیات
۱۹۷	۰۳۲. سازمان دهی نیروها پس از عملیات
۱۹۹	۰۳۳. دیده بانی در مناطق مرزی
۲۰۰	۰۳۴. شناسایی افراد ناشناس در مناطق مرزی
۲۰۰	۰۳۵. تغییر تاکتیک در عملیات
۲۰۸	۰۳۶. اعتماد به نفس در عملیات
۲۱۲	۰۳۷. دادن وعده و وعید هنگام گرفتن اطلاعات از اسیران مجرمان
۲۱۴	۰۳۸. استمداد از خداوند برای پیروزی در عملیات
۲۱۶	۰۳۹. شبیخون
۲۲۳	کتابنامه

تا پیش از انقلاب صنعتی در اروپا، نظام های سیاسی حاکم بر جهان بیشتر شخصی، خودکامه و مستبد بودند و حاکمان این نظام ها در چهره رئیس قبیله، حاکم، امیر، پادشاه، سلطان، فرعون، قیصر، امپراتور، خلیفه و ... به فرمانروایی می پرداختند. مناسبات حاکم بر این نظام های سیاسی بر پایه روابط نژادی، قبیله ای یا خویشاوندی استوار بود. در این دوران پر فراز و نشیب سازمان پلیسی به شیوه امروزی وجود نداشت و اگر هم نیروی ویژه ای در قالب عسس، گرمه، شرطه، محتسب، شحنه، پاسبان و ... فعالیت می کردند، تشکیلات و سازمان منسجم و نظام مندی نداشتند و عمدتاً به همراه گروه های نظامی و با ماهیت اقتدار گرایانه به مراقبت از طبقه حاکم می پرداختند و امنیت آنها را برقرار می کردند.

پس از انقلاب صنعتی در اروپا، رادهای اجتماعی دچار تحولات و دگرگونی های بنیادین و اساسی شدند. اگرچه این تحولات در آغاز تدریجی، ساده و کند بود، اما هرچه عقبه زمان به جلو حرکت می کرد این تحولات شتاب فراوان به خود می گرفت و پیچیده تر، عمیق تر و گسترده تر می شد. در اثر این تحولات روز افزون، نهادهای اجتماعی از جمله حکومت در معرض دگرگونی و پیشرفت های فراوان قرار گرفتند و دچار پیچیدگی های خاص و تحولات عمیق و گسترده شدند. در جهان معاصر بیشتر نظام های سیاسی حاکم بر کشورها، برآمده از آرای مردم و برآیند و نتیجه مشارکت افراد جامعه در حکومت هستند و حاکمان جامعه عنوان نمایندگانی را بر خود به همراه دارند. «یکی از وجوه مبانی دولت های جدید در جوامع بهتری آن است که وقتی مردم به رضایت خود و براساس فرهنگ و نظام ارزشی خود دولتی مردمی را ایجاد کردند، به معنای آن است که به آن مشروعیت داده اند و در نتیجه باید از آن اطاعت هم بکنند.» (شاکری، ۱۳۸۱: ۱۷)

بنابراین مشروعیت نظام های سیاسی حاکم بر جوامع از مشارکت مردم به دست می آید. بدیهی است هرچه مشارکت مردم در این امر بیشتر باشد، مشروعیت نظام های سیاسی

نیز بیشتر خواهد بود. نهاد حکومت در نظام سیاسی جهان معاصر کارکردهای زیادی دارد که یکی از کارکردهای ویژه و اساسی آن، تأمین امنیت و برقراری نظم در تمام سطوح جامعه است. (محسنی، ۱۳۶۸: ۴۳۵)

«حکومت سرزمینی یا دولت تنها نهاد مشروع اعمال قدرت در حوزه جغرافیایی خاص کشور می باشد. در اندیشه های سیاسی، علت وجودی دولت را ایجاد امنیت برای شهروندان و حکومت را اقتضای طبیعی زندگی اجتماعی دانسته اند. علت وجودی دولت، و کارکرد اصلی حکومت از نظر داخلی، ایجاد نظم و امنیت در جامعه است.» (مید، ۱۳۸۴: ۱۲)

حکومت ها برای ایفای این مسئولیت مهم و خطیر خود ناگزیرند سازمانی مقتدر و نظام مند با تشکیلاتی منسجم و هدفمند ایجاد کنند تا بتوانند نظم و امنیت را در جامعه به بهترین و کامل ترین شکل برقرار نمایند. در اینجاست که سازمان پلیس نمود عینی می یابد. «پلیس امروزی در تمام سازمان و دستگاه تأمین کننده امنیت، محصول این شکل و هیأت [هیئت] نوین از دولت می باشد. پلیس از حیث مبانی نظری به مسئله [مسئله] اطاعت شهروندان از دولت باقی گردد.» (شاگری، ۱۳۸۱: ۱۷)

بنابراین اقتدار سازمانی و قدرت قانونی و نیز سلطه مشروح پلیس از دولت برآمده از آرای مردم سرچشمه می گیرد. «پلیس یک نیروی کمالات دولتی از حیث خاستگاه و جایگاه سازمانی است و ما جلوه های دولت مدرن را در نمادهایی مثل استقلال، مرجعیت و اقتدار در برابر نیروهای جامعه می باشد، در بهره پلیس مشاهده می کنیم» (همان منبع: ۱۵)

با وجود این، بستر نمایش و عرصه تجلی اقتدار قانونی و سلطه مشروح پلیس، لایه های گوناگون جامعه و عرصه اجتماعی است. اگر نیروی انتظامی بتواند با ساز و کارهای مناسب، پذیرش عمومی و رضایت مندی جامعه را به دست آورد، در تأمین امنیت جامعه با چالش های سختی روبه رو می شود و برقراری نظم و امنیت با تکیه بر ماهیت اقتدار گرایانه دولتی، هزینه های مادی و معنوی فراوانی در پی خواهد داشت و اصولاً

این چنین نظم و امنیتی ناپایدار، کوتاه مدت و شکننده خواهد بود. نبود امنیت در جامعه، آسیب های فراوان و جدی در پی دارد و فضای روانی اجتماعی را آشفته می سازد. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرمایند: «اگر امنیت یا رفاه نباشد، هیچ یک از دستاوردهای جامعه از جمله پیشرفت های علمی و تکنیکی و سیاسی یک جامعه نمی تواند به درستی در جای خود قرار گیرد و بهره واقعی خود را به مردم ببخشد.» (قالیاف، ۱۳۸۴: ۱۲)

بنابراین، یکی از محوری ترین و بنیادی ترین وظایف و مأموریت های پلیس، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. اگر این وظیفه مهم و خطیر به درستی اجرا شود، زمینه ساز شکوفایی استعداد های گوناگون افراد جامعه و پیشرفت کشور در ابعاد علمی، فناوری، صنعتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی است. به دلیل اهمیت بسیار فراوان برقراری امنیت و نظم در جامعه، قانون گذار در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۹/۴/۲۷، مجلس شورای اسلامی) بر این امر تأکید ورزیده است، به طوری که ماده ۳ قانون مزبور هدف از تشکیل نیروی انتظامی را «استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و ...» اعلام کرده است. (ناصر زاده، ۱۳۷۹: ۳۰۵)

همچنین بر اساس بند ۱ ماده ۴ همین قانون، نیروی انتظامی «به استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی» را به عنوان نخستین وظیفه و مأموریت بر عهده دارد. (همان جا)

پلیس جامعه محور

در دنیای معاصر به دلیل دشواری فراوان در مسیر ایجاد هماهنگی بین لایه ها و سطوح گوناگون امنیتی، معادلات امنیتی نیز پیچیدگی خاصی پیدا کرده است. امروزه نمی توان با به کار گیری ابزارهای اقتدار آمیز قدرت، به امنیت عمومی پایدار دست یافت. بنابراین باید در الگوی تأمین امنیت عمومی بازنگری کرد و برقراری نظم و امنیت را به

طور انحصاری به عنوان یک وظیفه پلیس ندانست. این امر یک رسالت ملی است که کلیه بخش های قدرت و حکومت و حتی افراد جامعه باید آن را بر دوش بگیرند. اصطلاح پلیس جامعه محور در دهه ۱۹۸۰ در دنیا مطرح شده است. در این رویکرد، الگوهای سنتی کنترل اجتماعی به سمت جامعه محوری تغییر می یابد. در رویکرد و الگوی جامعه محوری، پلیس باید سرمایه های اجتماعی و استعداد های نهفته در درون جامعه را به دقت بشناسد و این سرمایه و توان را در جهت اهداف سازمانی خود استفاده کند. لازمه این بهره برداری آن است که پلیس ساختار، وظایف و مأموریت ها و نیز منابعی سازمانی خود را متناسب با این توانمندی و استعدادها بهسازی کند و بر آن مطلق سازد. این بهسازی و باز اندیشی نباید مقطعی باشد، بلکه پیوسته استمرار یابد. در این بهسازی جامعه محور، پلیس باید روابط میان خود و جامعه را برای برقراری هرچه بیشتر و بیشتر نظام و امنیت و پیشگیری از جرم و ناامنی، ارتقا و گسترش دهد.

«نهاد انتظامی هر کشور با پذیرش ریژگی های مثل تنوع مردمی، مشارکت جویی و قانونمندی شهروندان و ملاحظه آنها در مجموعه سیاست های انتظامی خود، زمینه را برای تحقق این خصلت ها به ویژه امر مشارکت اجتماعی شهروندان فراهم می آورد.» (شاگری، ۱۳۸۱: ۶۹) بنابراین پلیس جامعه محور باید برقراری امنیت عمومی پایدار را در افق دراز مدت ببیند و با به کارگیری روش ها و شیوه های نو، هوشمندانه و عالمانه، زمینه های تعامل پلیس و مردم را فراهم کند.

«بخش اعظمی از حضور اجتماعی پلیس به تعامل آن با حوزه جامعه مردم باز می گردد. مردم پیکره اصلی جامعه اند و بدون مردم در شکل جمعی آن، جامعه ای وجود ندارد.» (همان منبع: ۱۰)